

Research in the Scope of Tawaf

Mahdi Sajedi¹ , Hesamoddin Rabbani² 

1. Corresponding author, Department of Islamic Law, Faculty of Law, University of Judicial Sciences and Administrative Services, Tehran, Iran. Email: m_sajedi@ujsas.ac.ir
2. Department of Jurisprudence and Law, Faculty of Islamic Studies, University of the Quran and Hadith, Tehran, Iran. Email: hesamrabbani921@yahoo.com

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received:

2022 December 25

Revised: 2024 January 1

Accepted: 2025 October 28

Published online:

Keywords:

Tawaf,
Mataf,
Maqam Ibrahim,
Kaaba,
Masjid al-Haram.

ABSTRACT

A group of jurists believe that Tawaf should be performed in the area between the Kaaba and Maqam Ibrahim, and Tawaf outside this area is not correct. The second group believes that Tawaf does not have a specific limit and the obligee can perform Tawaf in the entire Masjid al-Haram. The results of this research, which was done by analyzing the evidence and using library and software resources, indicate that by reflecting on the two narrations cited by the parties and accepting the narration of Muhammad bin Muslim, it can be concluded that there is no conflict between the two narrations and The criterion of the correctness of Tawaf is that it is true to the obligee, the circumambulator of the house of Kaaba, and even though Tawaf does not have a specific limit, the obligee cannot perform Tawaf at a further distance as long as he can easily do Tawaf at the closest distance to the Kaaba, because in this case It is not true for him who circumambulates the house of the Kaaba, and in any case, the criterion of the authenticity of the circumambulation is the truth of this title.

Cite this article: Sajidi, Mehdi; Rabbani, Hesam al-Din (2025). Re-examination of the scope of Tawaf. *Jurisprudential Studies*, 58 (X), 1-20. [http:// jorr.ut.ac.ir](http://jorr.ut.ac.ir)

© The Author(s).

Publisher:

University of Tehran Press



DOI: [http:// jorr.ut.ac.ir](http://jorr.ut.ac.ir)

بازپژوهی در محدوده طواف

مهدی ساجدی¹✉، حسام الدین ربانی²

1. نویسنده مسئول، گروه حقوق اسلامی، دانشکده حقوق، دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری، تهران، ایران. رایانامه:

m_sajedi@ujss.ac.ir

2. گروه فقه و حقوق، دانشکده معارف اسلامی، دانشگاه قرآن و حدیث، تهران، ایران. رایانامه: hesamrabbani921@yahoo.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	در مورد محدوده طواف، دو نظر عمده از فقیهان امامیه دیده می شود. برخی با استناد به روایت محمد بن مسلم معتقدند طواف باید بین کعبه و مقام ابراهیم انجام شود و خارج از این محدوده صحیح نیست؛ این نظریه از شهرت بین فقیهان امامیه برخوردار است. گروه دیگر با استناد به روایت صحیح حلبی و رد سند روایت محمد بن مسلم، معتقد شده اند طواف، حد خاصی ندارد و مکلف می تواند در تمام مسجدالحرام طواف را انجام دهد. البته برخی طواف بعد از مقام ابراهیم را مکروه دانسته اند. نتایج این تحقیق که با تحلیل ادله و استفاده از منابع کتابخانه ای و نرم افزاری صورت گرفته حاکی است با تأمل در دو روایت مورد استناد طرفین و پذیرش روایت محمد بن مسلم، می توان گفت تعارضی بین دو روایت وجود ندارد و ملاک صحت طواف، صدق عنوان «طواف کننده خانه کعبه» بر مکلف با فاصله نداشتن با طواف کنندگان است. بنابراین مکلف نمی تواند مادامی که به راحتی می تواند در نزدیک ترین فاصله به کعبه و طواف کنندگان طواف کند با فاصله از آنها به انجام طواف بپردازد، زیرا در اینصورت بر وی طواف کننده خانه کعبه صادق نیست و در هر حال، ملاک صحت طواف، صدق این عنوان است.
تاریخ دریافت: 1401/10/4	
تاریخ بازنگری: 1402/10/11	
تاریخ پذیرش: 1404/8/6	
تاریخ انتشار:	
کلیدواژه ها: طواف. مطاف. مقام ابراهیم. کعبه. مسجدالحرام.	

استناد: ساجدی، مهدی؛ ربانی، حسام الدین (1404). بازپژوهی در محدوده طواف. پژوهش های فقهی، 58 (1)، 1-20.

http://jorr.ut.ac.ir



© نویسنده گان.

ناشر: دانشگاه تهران.

مقدمه

طواف در لغت به معنای احاطه کردن و دور چیزی چرخیدن است. (ابن منظور، 1414، ج 2، ص 225؛ خلیل بن أحمد، 1410، ج 7، ص 458؛ راغب اصفهانی، 1412، ج 1، ص 531) طواف در مصطلح فقه، برگرفته از همان معنای لغوی است با این تفاوت که از نظر فقها، طواف، فقط بر مصداق معینی از چرخیدن یعنی گردش به دور خانه کعبه همراه با شرایط خاص، اطلاق می‌شود. (طوسی، 1400، ص 236)

بسیاری از شرایط طواف، مورد اتفاق فقیهان امامیه قرار دارد، اما برخی از این شروط نیز مورد اختلاف است که از جمله می‌توان به شرط لزوم انجام طواف در محدوده معین اشاره نمود؛ توضیح اینکه برخی از فقها معتقد شده‌اند طواف باید در محدوده بین کعبه و مقام ابراهیم علیه السلام انجام گیرد، اما در مقابل، عده‌ای دیگر بر این باورند که طواف حد خاصی نداشته و مکلف می‌تواند در تمام مسجدالحرام طواف را انجام دهد.

با توجه به اختلاف مزبور، لازم است اسناد شرعی مورد بررسی قرار گیرد تا مشخص شود طواف به دور خانه کعبه باید در محدوده خاصی انجام شود به طوری که بدون عروض عناوین ثانوی مانند اضطرار و ازدحام جمعیت و مانند آن، در خارج از آن محدوده جایز نیست یا اینکه، حد خاصی ندارد و مکلف می‌تواند در چرخش به دور خانه کعبه تا انتهای ترین نقطه از نقاط همسطح با صحن مسجدالحرام و حتی خارج از مسجد به انجام طواف بپردازد به این صورت که فرض شود مسجدالحرام به دیوارهای اطراف محصور نباشد و مکلف تا جایی که امکان چرخش به دور کعبه وجود دارد طواف کند، البته مادامی که از منطقه حرم خارج نشود.

بدیهی است در صورت اثبات عدم حد خاص برای مطاف، هراندازه صحن مسجدالحرام توسعه یابد، تأثیری بر حکم طواف ندارد، مادامی که در فواصل دورتر از کعبه، طواف صادق باشد، اما در صورت اثبات حد خاص برای مطاف مانند محدوده بین کعبه و مقام ابراهیم علیه السلام، طواف در خارج از این محدوده، جز با فرض عروض عناوین ثانوی جایز نخواهد بود.

قبل از بحث از محدوده طواف، مناسب است اقوال فقها در این ارتباط را مورد واکاوی قرار دهیم.

اقوال فقها

در ارتباط با حد مطاف، دو نظریه عمده وجود دارد:

نظریه اول: لزوم انجام طواف بین کعبه و مقام ابراهیم علیه السلام: قائلین به این نظریه معتقدند مکلف باید در حد فاصل 12 متری از کعبه طواف را انجام دهد و نباید مقام ابراهیم علیه السلام را در طواف خود داخل کند. (طوسی، 1387، ج 1، ص 357؛ 1400، ص 237؛ ابن براج، 1406، ج 1، ص 233؛ ابن زهره، 1417، ص 172؛ ابن ادریس، 1410، ج 1، ص 572؛ علامه حلی، 1414، ج 8، ص 93؛ 1412، ج 10، ص 356؛ موسوی عاملی، 1411، ج 8، ص 130؛ صاحب جواهر، 1404، ج 19، ص 295 و 298؛ خمینی، بی تا، ج 1، ص 433؛ صافی، 1423، ج 4، ص 37)

البته برخی از قائلین به این نظریه معتقدند، فاصله 12 متر، از طرف همه جوانب و اضلاع کعبه باید مراعات شود و از آنجا که طواف از پشت دیوار حجر اسماعیل صورت می گیرد، محدوده طواف در قسمت حجر اسماعیل کاهش می یابد، مگر اینکه حجر اسماعیل نیز جزء خانه خدا محسوب شود که در این فرض، دیوار حجر اسماعیل، در محاسبه فاصله معتبر، ملاک قرار می گیرد. (صاحب جواهر، 1404، ج 19، ص 298)

نظریه دوم: طواف حد معینی ندارد و مکلف می تواند در تمام مسجدالحرام، طواف را انجام دهد. البته برخی معتقد شده اند طواف پشت مقام ابراهیم علیه السلام و بعد از آن مکروه است. (شیخ صدوق، 1413، ج 2، ص 399؛ محقق اردبیلی، 1403، ج 7، ص 87؛ افتخاری، 1428، ج 1، ص 364 و 365).

مستندات اقوال

قائلین به نظریه اول جهت اثبات نظر خود به دلایل ذیل استناد نموده اند:

روایت محمد بن مسلم از امام علیه السلام:

از حضرت در مورد حد طواف خانه کعبه سؤال کردم که اگر کسی از آن حد خارج شود، طواف کننده بیت محسوب نمی‌شود؟ فرمودند: «مردم در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله به دور خانه و مقام ابراهیم طواف می‌کردند و حال آنکه شما اکنون بین مقام و خانه کعبه طواف می‌کنید، پس حد طواف، از محل امروز مقام ابراهیم است، پس هر کس از آن بگذرد، طواف کننده به حساب نمی‌آید و حد طواف قبل از امروز با امروز، یکی است و به اندازه فاصله بین مقام ابراهیم و خانه کعبه و از همه اطراف خانه کعبه به همین مقدار است، پس هر کس طواف کند و از اطراف خانه کعبه بیش از این مقدار دور شود، به دور غیر خانه کعبه گردیده و به منزله کسی است که به دور مسجد می‌گردد، زیرا در غیر حد طواف، گردیده و طواف برای او محسوب نمی‌شود.» (طوسی، تهذیب، 1407، ج 5، ص 108)

بررسی شد

روایت محمد بن مسلم که مورد استناد گروه اول قرار گرفته، مضمهره است، زیرا مرجع ضمیر در فقره «سألته» نامعلوم است، اما با این وجود، خللی به این روایت وارد نمی‌شود، زیرا محمد بن مسلم از غیر امام علیه السلام سؤال نمی‌پرسد. البته در سند روایت، «یاسین ضریر» واقع شده که مورد اختلاف است. جناب نجاشی وی را چنین معرفی نموده است: «أبوالحسن موسى عليه السلام را در بصره درک کرده و از ایشان روایت نقل نموده است و این کتابی که به وی منسوب است تصنیف اوست.» (نجاشی، 1407، ص 453)

1. «مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ غَيْرِ وَاحِدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى عَنْ يَاسِينَ الضَّرِيرِ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ حَدِّ الطَّوَافِ بِالنَّبِيِّ الَّذِي مِنْ خَرَجٍ مِنْهُ لَمْ يَكُنْ طَائِفًا بِالنَّبِيِّ؟ قَالَ: «كَانَ النَّاسُ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَطُوفُونَ بِالنَّبِيِّ وَآلِهِ أَنْتُمْ الْيَوْمَ تَطُوفُونَ بَيْنَ الْمَقَامِ وَبَيْنِ النَّبِيِّ فَكَانَ الْحَدُّ مِنْ مَوْضِعِ الْمَقَامِ الْيَوْمَ فَمَنْ جَازهَ فَلَيْسَ بِطَائِفٍ وَ الْحَدُّ قَبْلَ الْيَوْمِ وَ الْيَوْمِ وَاجِدٌ قَدَرِ مَا بَيْنَ الْمَقَامِ وَ بَيْنِ النَّبِيِّ وَ مَنْ نَوَاجَى النَّبِيَّ كُلَّهَا فَمَنْ طَافَ فَنَبَّاعِدَ مِنْ نَوَاجِيهِ أَكْثَرَ مِنْ مِقْدَارِ ذَلِكَ كَانَ طَائِفًا بِغَيْرِ النَّبِيِّ بِمَنْزِلَةِ مَنْ طَافَ بِالْمَسْجِدِ لِأَنَّهُ طَافَ فِي غَيْرِ حَدٍّ وَ لَا طَوَافَ لَهُ.»

محقق خوبی نیز با استناد به کلام شیخ طوسی ره وی را دارای کتاب معرفی نموده، اما با این حال توثیقی در مورد وی نقل نکرده است. (خویی، بی تا، ج 13، ص 358)

البته علامه مجلسی صحت احادیث نقل شده از وی را موجب اثبات حُسن برای راوی دانسته (مجلسی، محمد باقر، 1420، ص 252) و جناب محقق داماد نیز معتقد است با توجه به عادت جناب نجاشی مبنی بر عدم تعرض به دین رواتی که امامی هستند می توان چنین نتیجه گرفت که وی امامی و دارای مذهب صحیح است و چون احادیث نقل شده از او قوی است، از اندیشمندان رجالی در حق وی مدح یا ذم نقل نشده است. (حائری مازندرانی، 1416، ج 7، ص 6)²

به هر روی چنانچه حدیث محمد بن مسلم با استدلال های فوق، در زمره احادیث صحیح قرار نگیرد، باز هم ضعف سند مانع از تمسک به آن نیست، زیرا چنانکه گذشت، این حدیث، مورد عمل مشهور فقیهان امامیه قرار گرفته است، بنابراین باید دلالت آن را مورد تأمل قرار داد.

بررسی دلالت حدیث

قائلین به این نظریه معتقدند فقره «وَأَنْتُمْ الْيَوْمَ تَطُوفُونَ بَيْنَ الْمَقَامِ وَبَيْنَ الْبَيْتِ فَكَانَ الْحَدُّ مِنْ مَوْضِعِ الْمَقَامِ الْيَوْمَ فَمَنْ جَازَهُ فَلَيْسَ بِطَائِفٍ» به خوبی بر محدود بودن مطاف دلالت دارد، زیرا امام علیه السلام به صراحت، کسی که بعد از مقام ابراهیم علیه السلام به دور خانه کعبه بگردد را طواف کننده محسوب نداشته اند. به علاوه اینکه امام علیه السلام با استناد به سیره متشرعین موجود در عصر رسول خدا صلی الله علیه و آله و با توجه به اعتبار آن در کشف حکم شرعی حد طواف، درصدد برآمده اند شبهه تفاوت حکم شرعی زمان خودشان را با زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله برطرف نمایند و بیان کنند مقام ابراهیم ملاک برای طواف است و در آن زمان و الان محدوده طواف، محدوده ای است که بین بیت و مقام ابراهیم در زمان آن حضرت قرار داشته است.

². «و قال المحقق الداماد (رحمه الله): قد علم من المعهود من دیدن النجاشی أنه إمامی مستقیم المذهب لنقله

ما نقله من غیر غمیزه علیه فی دینه، و لیس فیہ من أئمة الرجال مدح و لا ذم، فإن حدیثه قوی، انتهى.»

اجماع:

جناب شیخ طوسی (طوسی، الخلاف، 1407، ج 2، ص 324) و ابن زهره (ابن زهره، 1417، ص 172) از قدما در این مسئله ادعای اجماع کرده و نیز صاحب جواهر (صاحب جواهر، 1404، ج 19، ص 295) این مسئله را غیر اختلافی دانسته است.

قاعده احتیاط و اشتغال:

بدین معنا که مکلف می‌داند یقیناً ذمه‌اش به انجام طواف خانه خدا مشغول است و اگر در این فاصله از خانه خدا طواف خود را انجام دهد یقین به برائت ذمه از این تکلیف می‌یابد.

جناب شیخ طوسی (طوسی، الخلاف، 1407، ج 2، ص 324)³ و ابن زهره (ابن زهره، 1417، ص 172)⁴ و بسیاری از فقیهان متأخر (ر.ک. به موسوی عاملی، 1411، ج 8، ص 131) و معاصر (ر.ک. به صافی، 1423، ج 4، ص 40)، از جمله کسانی هستند که انجام طواف در این حد را مطابق با احتیاط و موجب برائت ذمه مکلف از تکلیف برشمرده‌اند.

فقیهانی که نظریه دوم را برگزیده‌اند نیز در اثبات رأی خود به روایت ذیل تمسک جسته‌اند:

- روایت صحیح أبان از امام صادق علیه السلام:

³. «دلیلنا: إجماع الفرقه، و طريقة الاحتیاط، لأن من طاف علی ما قلناه برئت ذمته بلا خلاف، و سقط الفرض عنه.»

⁴. «دلیل الاجماع الماضی ذکره و طريقة الاحتیاط، و الیقین لبراءة الذمة، لأنه لا خلاف فی براءة الذمة منه إذا فعل علی الوجه الذی ذکرناه، و لیس علی براءتها منه إذا فعل علی خلافه دلیل.»

از حضرت در مورد حکم طواف پشت مقام ابراهیم علیه السلام سؤال کردم، فرمودند: آن را دوست ندارم و اشکالی هم در انجام آن نمی‌بینم، چنین مکن مگر اینکه چاره ای از آن نیابی.» (شیخ صدوق، 1413، ج 399، 2)⁵

روایت از نظر سند، صحیح است. لکن برخی از فقها معتقد شده‌اند اعراض مشهور فقیهان امامیه از این حدیث مانع از عمل کردن به آن است. (حسینی شاهرودی، 1402، ج 4، ص 313) از نظر دلالت نیز به خوبی دلالت دارد بر اینکه از نظر امام علیه السلام، طواف از پشت مقام ابراهیم علیه السلام در حال اختیار، جایز و البته مکروه است، مگر اینکه طواف کننده چاره ای از آن نداشته باشد که در اینصورت کراهت، منتفی است. کراهت طواف مزبور در حال اختیار از فقره «مَا أَحَبُّ ذَلِكَ» با توجه به فقره «مَا أَرَى بِهِ بَأْسًا» قابل استفاده است. همچنین فقره «مَا أَرَى بِهِ بَأْسًا» دلالت دارد بر اینکه نهی مستفاد از «فَلَا تَفْعَلْ»، تنزیهی است.

نقد و بررسی و بیان قول مختار

به نظر می‌رسد دلیل قابل استناد برای طرفداران هر دو نظریه، منحصر در دو روایت پیش نقل شده است، زیرا با وجود این دو روایت، اجماع، مدرکی محسوب شده و فاقد حجیت و صلاحیت لازم جهت استناد است. علاوه بر اینکه وجود فتاوی مخالف، آن را از جهت صغروی نیز در تنگنا قرار می‌دهد.

همچنین با وجود دو روایت مورد استناد در مسئله، نوبت به اصل عملی نمی‌رسد. بنابراین مناسب است به تحلیل دو روایت مزبور بپردازیم.

البته مناسب است قبل از بررسی دو روایت مورد استناد فقها، به آیه شریفه: «ثُمَّ لِيَقْضُوا تَفَثَهُمْ وَلِيُؤْثِقُوا نُذُورَهُمْ وَلِيَطَوفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ» (حج: 29) نیز توجه شود. در این آیه شریفه به طور مطلق، طواف کنندگان، به طواف خانه خدا امر شده‌اند و طواف به حد خاصی محدود نشده است.

⁵ رَوَى أَبَانٌ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْحَلَبِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الطَّوَافِ خَلْفَ الْمَقَامِ؟ قَالَ: «مَا أَحَبُّ ذَلِكَ وَمَا أَرَى بِهِ بَأْسًا، فَلَا تَفْعَلْ إِلَّا أَنْ لَا تَجِدَ مِنْهُ بُدًّا.»

بنابراین می توان از اطلاق آیه چنین نتیجه گرفت که طواف حد خاصی ندارد و در نتیجه موجب تقویت و ترجیح روایتی شود که برای طواف حد خاصی را قائل نیست. البته ممکن است گفته شود امکان استناد به اطلاق آیه شریفه وجود ندارد، زیرا آیه مزبور در مقام بیان حکم کلی وجوب طواف و اعمال حج است و به جزئیات طواف نظر ندارد کما اینکه در صدد تشریح اصل تقصیر است و جزئیات آن را بیان نکرده است. به عبارت دیگر آیه شریفه از جهت بیان محدوده طواف در مقام بیان نیست، از این رو نمی توان از اطلاق آیه شریفه در اثبات حد مطاف بهره برد. به هر روی چنانچه اشکال مزبور مورد پذیرش قرار نگیرد، به طور حتم می توان محتوای آیه شریفه را موجب ترجیح روایت صحیح حلبی دانست. اما با این وجود لازم است دو روایت جداگانه مورد بررسی دلالی قرار گیرند.

چنانچه سند روایت محمد بن مسلم مورد پذیرش قرار نگرفته و نیز ضعف سند آن با عمل مشهور قابل جبران نباشد، به طور طبیعی، محدودیتی برای طواف، اثبات نمی گردد، اما از آنجا که محدودیت طواف به حد خاص، نظریه ای است که مطابق با فتوای مشهور فقیهان امامیه است، چنین فهمیده می شود که عمده فقها از این روایت چشم پوشی نکرده اند. البته مطابق با تحقیقی که در ارتباط با سند این روایت صورت گرفت، به نظر می رسد به آسانی نمی توان روایت محمد بن مسلم را کنار گذاشت، از این رو باید بر نحوه دلالت آن و نیز تعارضش با روایت حلبی تمرکز یافت.

همچنین ممکن است گفته شود در روایت حلبی، احتمال تقیه وجود دارد، زیرا اهل سنت برای طواف، حد خاصی قائل نیستند (وزارت اوقاف، 1404، ج 29، ص 127)؛ اما از نظر شیعیان، محدوده مجاز طواف، تا مقام ابراهیم علیه السلام است، لذا امام علیه السلام به جهت تقیه، حکم

⁶. «مكان الطواف هو حول الكعبة المشرفة داخل المسجد الحرام قريبا من البيت أو بعيدا عنه، فلو طاف من وراء مقام إبراهيم عليه السلام، أو من وراء حائل كمنبر أو غيره كالأعمدة، أو على سطح المسجد الحرام أجزاء ذلك، لأنه قد حصل حول البيت ما دام ضمن المسجد وإن وسع المسجد، ومهما توسع ما لم يبلغ الحل عند الجمهور، لكن خصت المالكية الطواف بالسقائف بصورة الزحام.»

عدم جواز طواف در خارج از این محدوده را با عبارت «مَا أُجِبْتُ ذَلِكَ» بیان نموده‌اند و چون این مطلب بر خلاف تقیه بوده است، پس از آن فقره «وَمَا أَرَى بِهِ بَأْسًا» را از باب تقیه صادر نموده‌اند، از این رو روایت دلالتی بر جواز طواف در خارج از حد آن (بین مقام ابراهیم علیه السلام و خانه کعبه) ندارد. (سبحانی، 1424، ج 4، ص 104)

اما به نظر می‌رسد احتمال تقیه چندان قابل پذیرش نیست، زیرا در فرض ازدحام جمعیت، به طور طبیعی مکلف نمی‌تواند بین کعبه و مقام ابراهیم علیه السلام طواف خود را انجام دهد و مطابق با فقره اخیر روایت حلبی، طواف خارج از حد مزبور در این صورت، بدون اشکال است و اگر ازدحامی هم در کار نباشد نیازی به تقیه و انجام طواف در خارج از حد آن نیست. زیرا به طور طبیعی در فرضی که ازدحام جمعیت وجود ندارد طواف در محدوده بین کعبه و مقام ابراهیم انجام می‌شود.

در داوری نهایی بین دو نظریه مورد گفتگو در ارتباط با حد طواف، به نظر می‌رسد حق به جانب کسانی است که طواف را منحصر به محدوده خاصی نمی‌دانند، زیرا روایت محمد بن مسلم بر فرض پذیرش سند، معارض با روایت حلبی نیست. توضیح اینکه:

تأمل در روایت محمد بن مسلم حاکی از این است که امام علیه السلام با وجود اینکه محدوده مابین کعبه و مقام ابراهیم علیه السلام را برای طواف مشخص نموده‌اند اما درصدد انحصار محدوده طواف به این حد نبوده‌اند به گونه ای که جواز طواف فراتر از آن مختص به حالت اضطرار باشد. به عبارت دیگر امام علیه السلام با پاسخ مزبور به راوی، درصدد بیان ملاک در صدق طواف خانه کعبه برآمده‌اند؛ بدین معنا که با توجه به جمعیت طواف کنندگان، اگر مکلف می‌تواند به راحتی طواف خود را در محدوده بین کعبه و مقام ابراهیم علیه السلام انجام دهد، اما با این وجود، طواف را در فاصله ای بیش از این مقدار انجام دهد، طواف کننده خانه کعبه محسوب نمی‌شود و مثل کسی است که در حال دور زدن مسجد و نه خانه کعبه است. به عبارت دیگر عرفا به وی طائف بالبيت صدق نمی‌کند و گویا چنین است که در حال چرخیدن در اطراف مسجد است.

شاهد بر این مطلب که مراد امام علیه السلام منحصر و محدود کردن محدوده طواف نبوده این است که حضرت می‌فرمایند: حد طواف در زمان نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله نیز همین مقدار بوده است و ما به گواهی روایت محمد بن مسلم در فقره «كَانَ النَّاسُ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَطُوفُونَ بِالْبَيْتِ وَ الْمَقَامِ» و اسناد تاریخی⁷ می‌دانیم در عهد رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله، مقام ابراهیم علیه السلام در کنار کعبه قرار داشته است و نمی‌توان پذیرفت که مردم در آن زمان به طور دقیق فاصله ای که بین کعبه و مقام ابراهیم علیه السلام در زمان امام صادق علیه السلام وجود داشته را رعایت می‌کرده‌اند، چه اینکه اگر این حد فاصل رعایت می‌شد، خود این حد و نیز وسیله ای که با آن این حد را مشخص و تعیین می‌کردند در تواریخ و روایات نقل شده و ثبت می‌گردید.

بنابراین باید گفت مراد حضرت این بوده که حد طواف در آن زمان و زمان ایشان یکی است و تفاوتی ندارد و ملاک این است که مکلف، طواف کننده خانه کعبه به حساب آید و اگر حضرت حدی را تعیین نموده، از باب بیان حد صدق این عنوان در عصر تشریع و زمان خودشان بوده است.

از این رو آنچه باید ملاک قرار گیرد رعایت نزدیک‌ترین فاصله ممکن به کعبه در طواف توسط مکلف است و قطعاً در زمان عدم ازدحام، طواف فقط در حد فاصل بین کعبه و مقام ابراهیم علیه السلام صحیح است، چرا که در فرض مزبور، فقط با انجام طواف در این حد، بر مکلف، طواف کننده خانه کعبه صدق می‌کند. بنابراین هر اندازه بر جمعیت طواف کنندگان افزوده شود به طور طبیعی فاصله طواف کننده ای که در انتهای جمعیت قرار می‌گیرد از کعبه بیشتر می‌شود و حتی ممکن است طواف او بیرون از حد فاصل مزبور انجام گیرد، اما با توجه به اینکه در اینصورت نیز بر او طواف کننده خانه کعبه صادق است، طوافش صحیح و بدون اشکال است. به عبارت دیگر

⁷. ر.ک. به آنچه صاحب جواهر از طبری نقل کرده، 1404، ج 19، ص 296.

امام علیه السلام با این بیان درصدد تایید فهم عرف از طواف است و اینکه صدق عرفی محدوده طواف مورد تایید شرع قرار دارد.

اشکال

ممکن است گفته شود با توجه به رد احتمال تقیه در روایت حلبی، چرا در این روایت، طواف در محدوده پشت مقام ابراهیم علیه السلام جایز شمرده شده است، در حالی که طبق روایت محمد بن مسلم بر طواف کننده در این محدوده، طواف کننده خانه کعبه صادق نیست؟

جواب

در پاسخ باید گفت، مراد امام علیه السلام از جمله «وَمَا أَرَىٰ بِهِ بَأْسًا» فقط نفی اشکال از طوافی است که در خارج از محدوده انجام می شود، بدین معنا که مکلف با انجام آن، کار حرامی را مرتکب نشده است و حضرت درصدد تصحیح آن نیست؛ بنابراین اگر مکلف با وجود اینکه می تواند بین کعبه و مقام ابراهیم علیه السلام طواف را انجام دهد، در خارج از این محدوده طواف کند، طوافش بیهوده و باطل است، زیرا مطابق با روایت محمد بن مسلم، طواف کننده خانه کعبه محسوب نمی شود اما در عین حال، کار حرامی انجام نداده است. با این بیان روشن می شود که:

اولاً: عبارت «مَا أَحِبُّ ذَلِكَ» گرچه ظهور ابتدایی در عدم مشروعیت و عدم صحت طواف در خارج از محدوده دارد، اما فقره «وَمَا أَرَىٰ بِهِ بَأْسًا» که در ادامه آمده، قرینه متصله ای است که بیان می کند طواف مزبور، عمل حرام و غیر مشروعی نیست؛ نتیجه اینکه دو فقره با هم بر عدم صحت چنین طوافی دلالت دارد.

ثانیاً: نهی از عدم انجام طواف در خارج از محدوده (فَلَا تَفْعَلْ)، نهی ارشادی است که حاکی از عدم صحت طواف در خارج از محدوده در حال اختیار و تأکیدی بر بی فایده بودن آن است. ثالثاً: روایت حلبی تعارضی با روایت محمد بن مسلم ندارد و ملاک در صحت طواف، صدق طواف کننده خانه کعبه بر مکلف است. از این رو مکلف در زمان عدم ازدحام و امکان طواف در محدوده،

نباید خارج از آن، طواف را انجام دهد چراکه طواف کننده خانه خدا محسوب نشده و عمل باطل و بیهوده ای را انجام داده است.

اشکال

ممکن است گفته شود دو روایت محمد بن مسلم و حلبی با یکدیگر در تعارض اند، زیرا روایت محمد بن مسلم، صریح است در اینکه طواف در خارج از محدوده جایز نیست در حالی که روایت حلبی ظهور دارد در اینکه انجام طواف خارج از محدوده بدون اشکال است، از این رو در حل تعارض یا باید بین دو روایت را جمع نموده و قائل شویم طواف در خارج از محدوده مکروه است و یا به جهت صراحت روایت محمد بن مسلم در عدم جواز، از روایت حلبی چشم پوشی کنیم.

جواب

در پاسخ می توان گفت وجود تعارض بین دو روایت مزبور را در صورتی می توان پذیرفت که بپذیریم کلام امام علیه السلام در روایت محمد بن مسلم، ظاهر در تعیین حد خاص برای طواف یا صریح در آن است، اما اگر به دلیل قرائنی مثل یکسان بودن حد طواف در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و زمان امام صادق علیه السلام که در کلام امام علیه السلام بیان شده و توجه به این نکته که مقام ابراهیم علیه السلام در عهد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در کنار کعبه قرار داشته، روایت محمد بن مسلم در تعیین حد برای طواف ظهور نیابد یا حداقل ظهور در تعیین حد مورد تردید قرار گیرد، دیگر نمی توان دو روایت را متعارض با یکدیگر دانست، بلکه روایت حلبی تأییدی بر مضمون روایت محمد بن مسلم محسوب می شود.

توضیح بیشتر اینکه فقره «فَمَنْ طَافَ فَتَبَاعَدَ مِنْ نَوَاحِيهِ أَكْثَرَ مِنْ مِقْدَارِ ذَلِكَ كَانَ طَائِفًا بَغِيرِ الْبَيْتِ» از کلام امام علیه السلام در تبیین ملاک صحت طواف ظهور دارد، بدین معنا که بیان می کند علت بطلان طواف در نواحی دورتر از مقدار کعبه تا مقام ابراهیم علیه السلام و بیرون از این حد، صدق عنوان «طائف بغیر البیت» بر طواف کننده است و صرفاً به دلیل اینکه بیرون از حد، طواف را انجام داده طوافش باطل نیست. نتیجه اینکه اگر مکلف حتی در خارج از این مقدار هم طواف کند اما بر او این عنوان صادق نباشد، طوافش صحیح بوده و باطل و بیهوده نیست و این

در فرضی ممکن است که جلوی او تا خانه کعبه از طواف کننده خالی نباشد. پس مادامی که جمعیت طواف کنندگان، مکلف را در فاصله ای بیش از مقدار فاصله کعبه تا مقام ابراهیم علیه السلام قرار داده و به عبارت دیگر مکلف در انتهایی ترین حلقه طواف و دورترین فرد از جمعیت طواف کننده به کعبه است، مصداق «طائف بغیر البیت» نیست از این رو نمی توان به بطلان طواف او حکم نمود.

ممکن است گفته شود گرچه روایت محمد بن مسلم در بیان ملاک ظهور دارد اما امام علیه السلام در همین روایت در فقره «فَكَانَ الْحَدُّ مِنْ مَوْضِعِ الْمَقَامِ الْيَوْمَ فَمَنْ جَاَزَهُ فَلَيْسَ بِطَائِفٍ» درصدد تطبیق ملاک مزبور نیز برآمده و فرموده اند هرکس در فاصله دورتر از مقدار کعبه تا مقام ابراهیم علیه السلام طواف کند، «طواف کننده بیت» نبوده و مصداق «طائف بغیرالبیت» است.

در پاسخ می توان گفت این سخن در صورتی قابل پذیرش است که موضع مقام ابراهیم علیه السلام در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و زمان امام صادق علیه السلام یکی باشد، اما وقتی روایت تصریح دارد به اینکه در عهد نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله مردم بر گرد کعبه و مقام طواف می کرده اند و از طرف دیگر بیان می کند که حد طواف در آن زمان با زمان امام علیه السلام تفاوتی ندارد فهمیده می شود که حد بین کعبه و مقام ابراهیم علیه السلام حدی است که در عصر تشریع و زمان امام صادق علیه السلام «طواف بالبیت» صدق می کرده و یا حد طواف در هنگامی است که ازدحامی در کار نیست. شاهد بر این مطلب اینکه در روایت حلبی امام علیه السلام می فرمایند پشت مقام ابراهیم علیه السلام مادامی که ناچار نشدی طواف نکن.

این سخن بدان معناست که اگر مکلف با جمعیت طواف کنندگان روبرو شد به طوری که محدوده گردش او به دور خانه کعبه در بیرون از حد مزبور قرار گرفت طوافش صحیح است، زیرا مصداق «طائف بغیر البیت» نیست نه اینکه با وجود اینکه مصداق «طائف بغیر البیت» است اما از باب اضطرار طوافش صحیح است، چون اضطرار حکم عدم صحت را بر می دارد، اما توان تصحیح موضوع را ندارد و وقتی موضوع طواف صادق نباشد فرقی بین حالت اختیار و اضطرار نیست.

علاوه بر اینکه طبق این فرض، ممکن و قابل تصور است که مردم در عصر تشریع، در فاصله بیش از فاصله کعبه تا مقام در زمان امام صادق علیه السلام طواف کرده باشند، زیرا وسیله مشخصی برای اندازه گیری وجود نداشته و در روایات و تاریخ نقل نشده و در این باره از نبی مکرم اسلام سوالی پرسیده نشده است در حالی که اگر رعایت دقیق این مقدار به دلیل وجود تعبد خاصی در این مسئله بود باید حد دقیق طواف از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مورد سوال قرار می گرفت و همین نشانگر این است که امام علیه السلام درصدد تعیین حد دقیق نبوده اند، بلکه صرفاً حدی که در زمان خودشان مصداق طواف خانه محسوب می شده یا حد صدق این عنوان در فرض عدم ازدحام را بیان کرده اند و نه انحصار حد و اثبات انحصار از کلام امام علیه السلام نیازمند دلیل است که وجود ندارد و بلکه بر خلاف آن دلیل وجود دارد.

نتیجه اینکه با این بیان، ظهوری برای روایت محمد بن مسلم در تعیین حد، محقق نمی گردد تا با روایت حلبی در تعارض قرار گیرد و دو روایت مورد گفتگو بیانگر یک مطلب خواهند بود و آن اینکه ملاک در صحت طواف، صدق عرفی عنوان طواف کننده خانه کعبه بر مکلف است و مکلف در شرایط معمولی که امکان طواف به دور خانه کعبه با حداقل فاصله از آن را دارد نباید در فاصله بیشتر از کعبه طواف کند، زیرا کار بیهوده ای انجام داده و طواف کننده خانه کعبه بر او صادق نیست.

مقتضای اصل عملی در مسئله

با قطع نظر از روایات مورد استناد در مسئله یا با فرض خدشه در دلالت یا سند دو روایت، چنانچه دست فقیه از ادله اجتهادی کوتاه باشد، ناچار باید در تعیین حکم مسئله به اصل عملی رجوع کند. بنابراین سوالی که در این ارتباط مجال طرح می یابد این است که مرجع فقیه در تعیین حکم طواف در خارج از حد آن یعنی طوافی که در محدوده بعد از مقام ابراهیم علیه السلام انجام شود، کدام اصل عملی است؟

مطابق با آنچه از ادله مشهور گذشت، آنان معتقدند وظیفه مکلف، احتیاط و انجام طواف در محدوده است، زیرا مکلف یقین به اشتغال ذمه اش به انجام طواف دارد و اگر در خارج از حد مورد

گفتگو طواف را انجام دهد، یقین به برائت ذمه نمی‌یابد، درحالی که طواف در محدوده، موجب یقین به برائت ذمه از تکلیف است. البته با تمسک به این اصل، اثبات نمی‌شود طواف در خارج از محدوده باطل است، بلکه فقط یقین به ادای تکلیف و برائت ذمه حاصل نمی‌شود. اما به نظر می‌رسد مسئله از باب دوران امر بین اقل و اکثر ارتباطی است که اکثر (طواف با رعایت همه شروط و در محدوده خاص) مورد تردید است و از طرفی اقل (طواف با شرایط خاص و بدون محدودیت در حد خاص) یقینی است، از این رو نسبت به اکثر برائت جاری می‌شود.

نتیجه بحث

در ارتباط با محدوده طواف دو نظریه وجود دارد. برخی از فقها محدوده طواف را بین کعبه و مقام ابراهیم علیه السلام دانسته‌اند اما برخی دیگر برای طواف حد خاصی قائل نشده‌اند. قائلین نظریه اول برای اثبات این نظریه به روایت محمد بن مسلم، اجماع فقها و قاعده احتیاط تمسک کرده‌اند. در مقابل، کسانی که معتقدند طواف حد خاصی ندارد برای اثبات نظر خود به روایت صحیح حلبی تمسک نموده‌اند. با توجه به مدرکی بودن اجماع و مؤخر بودن تمسک به اصل عملی از ادله اجتهادی، مستند دو قول در دو روایت محمد بن مسلم و حلبی منحصر می‌گردد. در داوری بین دو قول به نظر می‌رسد حق به جانب فقیهانی باشد که معتقدند طواف محدوده خاصی ندارد. آنان در واقع معتقدند بین این دو روایت تعارضی نیست و ماحصل دو روایت محمد بن مسلم و حلبی چنین می‌شود که مکلف باید در نزدیک‌ترین فاصله ممکن به کعبه، طواف خود را انجام دهد و هنگام طواف و در حال اختیار و عدم ازدحام، به مقداری از طواف کنندگان فاصله نگیرد که عرفاً بر او طواف کننده خانه کعبه صادق نباشد. بنابراین اگر جمعیت فراوانی برگردد خانه کعبه در حال طواف باشند به گونه‌ای که مکلف ناچار شود پشت مقام ابراهیم علیه السلام و حتی دورتر طواف را انجام دهد در حالی که به صفوف طواف متصل است اشکالی ندارد و لازم نیست خود را به زحمت انداخته و در حد فاصل کعبه و مقام و در ازدحام جمعیت طوافش را انجام دهد. همچنین اگر اطلاق آیه شریفه پذیرفته شود این مضمون، تقییدی بر آن اطلاق خواهد بود.

فهرست منابع

1. ابن ادریس حلی، محمد بن منصور بن احمد (1410 ق)، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، چاپ دوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
2. ابن براج، قاضی عبد العزیز (1406 ق)، المذهب، چاپ اول، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
3. ابن زهره، حمزه بن علی (1417 ق)، غنیة النزوع الی علمی الاصول والفروع، قم: موسسه امام صادق علیه السلام، چاپ اول.
4. ابن منظور، محمد بن مکرم (1414 ق)، لسان العرب، چاپ سوم، بیروت، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع - دار صادر.
5. افتخاری، علی (1428 ق)، آراء المراجع فی الحج، چاپ دوم، تهران، نشر مشعر.
6. حائری مازندرانی، محمد بن اسماعیل (1416 ق)، منتهی المقال فی احوال الرجال، چاپ اول، قم، موسسه آل البيت علیهم السلام.
7. حسینی شاهرودی، سید محمود (1402 ق)، کتاب الحج، چاپ اول، قم، مؤسسه انصاریان.
8. خمینی، سید روح اله موسوی (بی تا)، تحریر الوسیله، چاپ اول، قم، مؤسسه مطبوعات دار العلم.
9. خلیل بن احمد (1410 ق)، کتاب العین، چاپ دوم، قم، نشر هجرت.
10. خوئی، سید أبوالقاسم (بی تا)، معجم رجال الحديث و تفصیل طبقات الرجال، بی جا، بی نا.
11. راغب اصفهانی (1412 ق)، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، بیروت، بی نا.
12. سبحانی، جعفر، (1424 ق)، الحج فی الشریعه الاسلامیه الغراء، چاپ اول، قم، موسسه امام صادق علیه السلام.
13. شیخ صدوق، محمد بن علی (1413 ق)، من لایحضره الفقیه، چاپ دوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

14. صاحب جواهر، محمد حسن (1404 ق)، جواهر الكلام فى شرح شرايع الاسلام، چاپ هفتم، بيروت، دار إحياء التراث العربى.
15. صافى، لطف الله (1423 ق)، فقه الحج، چاپ دوم، قم، موسسه حضرت معصومه سلام الله عليها.
16. طوسى، محمد بن حسن (1387 ق)، المبسوط فى فقه الاماميه، چاپ سوم، تهران، المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية.
17. ----- (1407 ق)، تهذيب الاحكام، چاپ چهارم، تهران، دار الكتب الإسلامية.
18. ----- (1400 ق)، النهاية فى مجرد الفقه و الفتوى، چاپ دوم، بيروت، دار الكتاب العربى.
19. ----- (1407 ق)، الخلاف، چاپ اول، قم، دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم.
20. علامه حلى، حسن بن يوسف (1414 ق)، تذكرة الفقهاء، چاپ اول، قم، موسسه آل البيت عليهم السلام.
21. ----- (1412 ق)، منتهى المطلب، چاپ اول، مشهد، مجمع البحوث الإسلامية.
22. محقق اردبیلی، احمد بن محمد (1403 ق)، مجمع الفائدة و البرهان فى شرح إرشاد الأذهان، چاپ اول، قم، دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم.
23. مجلسى، محمد باقر (1420 ق)، الوجيزة فى الرجال، چاپ اول، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامى.
24. موسوى عاملى، محمد بن على (1411 ق)، مدارك الاحكام فى شرح شرايع الاسلام، بيروت، موسسه آل البيت عليهم السلام.
25. نجاشى، احمد بن على (1407 ق)، رجال النجاشى، قم، دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم.

26. وزارة الاوقاف و الشؤون الدينية، (1404 ق)، الموسوعة الفقهية الكويتية، الكويت، وزارت اوقاف.

References (in English)

1. **Aftakhari, A.** (2007). *Araa al-Maraje' fi al-Hajj (Opinions of Scholars on Hajj)*. Tehran: Nashr Mash'ar. (in Persian)
2. **Danesh, M. b. M.** (1991). *Lisan al-Arab*. Beirut: Dar al-Fikr – Dar Sader. (in Arabic)
3. **Haeri Mazandarani, M. I.** (1995). *Muntaha al-Maqal fi Ahwal al-Rijal*. Qom: Ahl al-Bayt Institute. (in Persian)
4. **Hosseini Shahrudi, S. M.** (1982). *Kitab al-Hajj*. Qom: Ansarian Institute. (in Persian)
5. **Ibn Barrag, Q. A.** (1985). *Al-Muhadhdhab*. Qom: Islamic Seminary Publishing Office. (in Persian)
6. **Ibn Idris Hilli, M. b. M.** (1990). *Al-Sara'ir al-Hawi li Tahrir al-Fatawi*. Qom: Islamic Seminary Publishing Office. (in Persian)
7. **Ibn Manzur, M. b. M.** (1993). *Lisan al-Arab*. Beirut: Dar al-Fikr. (in Arabic)
8. **Ibn Zuhra, H. b. A.** (1996). *Ghaniyat al-Nuzu' ila 'Ilm al-Usul wa al-Furu'*. Qom: Imam Sadiq Institute. (in Persian)
9. **Khaleel b. Ahmad** (1990). *Kitab al-Ain*. Qom: Hijrat Publishing. (in Arabic)
10. **Khomeini, R.** (n.d.). *Tahrir al-Wasila*. Qom: Dar al-'Ilm Press. (in Persian)
11. **Majlisi, M. B.** (2000). *Al-Wajiza fi al-Rijal*. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance. (in Persian)
12. **Mazandarani, M. I.** (1995). *Muntaha al-Maqal fi Ahwal al-Rijal*. Qom: Ahl al-Bayt Institute. (in Persian)

13. **Ministry of Awqaf and Islamic Affairs** (1984). *Al-Mawsu'a al-Fiqhiyya al-Kuwaytiyya (Kuwaiti Encyclopedia of Jurisprudence)*. Kuwait: Ministry of Awqaf. (in Arabic)
14. **Mousavi Ameli, M. b. A.** (1990). *Madarik al-Ahkam fi Sharh Shara'i al-Islam*. Beirut: Ahl al-Bayt Institute. (in Persian)
15. **Najashi, A. b. A.** (1987). *Rijal al-Najashi*. Qom: Islamic Seminary Publishing Office. (in Persian)
16. **Raghib al-Isfahani, H. b. M.** (1991). *Al-Mufradat fi Gharib al-Qur'an*. Beirut: n.p. (in Arabic)
17. **Safi, L.** (2002). *Fiqh al-Hajj (Jurisprudence of Hajj)*. Qom: Hazrat Masoumeh Institute. (in Persian)
18. **Subhani, J.** (2003). *Al-Hajj fi al-Shari'a al-Islamiyya al-Ghara'a (Hajj in the Islamic Law)*. Qom: Imam Sadiq Institute. (in Persian)
- Tusi, M. b. H.** (1980). *Al-Mabsut fi Fiqh al-Imamiyyah*. Tehran: Al-Maktaba al-Murtazawiyya. (in Persian)
19. **Tusi, M. b. H.** (1987). *Tahdhib al-Ahkam*. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyya. (in Persian)
20. **Tusi, M. b. H.** (1980). *Al-Nihaya fi Mujarrad al-Fiqh wa al-Fatwa*. Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi. (in Persian)
21. **Tusi, M. b. H.** (1987). *Al-Khilaf*. Qom: Islamic Seminary Publishing Office. (in Persian)
23. **Zuhra, H. b. A.** (1996). *Ghaniyat al-Nuzu' ila 'Ilm al-Usul wa al-Furu'*. Qom: Imam Sadiq Institute. (in Persian)